

## چند نکته راجع بر رساله نفس ابوعلی سینا

بقلم آقای حسین شجره

۱ - رابط روح و بدن چگونه رابطه‌ایست ؟

۲ - مقصود از رؤیای صادق چیست ؟

۳ - ابوعلی سینا نفس نبی را چگونه وصف میکند ؟

میان کتب و رساله‌های فارسی که از ابن حکیم معروف ایرانی بهای مانده و معروفترین آنها حکمت علایی و رساله نبض و همین رساله نفس است شاید رساله نفس از نظر اینکه خیلی خلاصه است و نسبتاً اصطلاحات علمی و فلسفی در آن کمتر است بیشتر برای نقل و بحث در يك مجله ادبی قابل توجه باشد و چون جشن هزار ساله تولد او بزودی برپا خواهد شد خواستم که از آثار فارسی آن حکیم بیشتر ذکری بمیان آید و بهمین دلیل بر آن شدم که چند نکته از این تألیف نفیس را در اینجا نقل کنم

شیخ‌الرئیس خود در مقدمه رساله اینطور مینویسد :

« این رساله ایست که شیخ رئیس ابوعلی بن سینا رحمه الله علیه تصنیف کرده است در روشن کردن ماهیت نفس مردم و احوال آن از بقا و فنا و سعادت و شقاوت در آخرت و دیگر احوالها چنانکه یاد کرده آید » .

و بعد از آن رؤس مطالب را در پانزده قسمت و يك خاتمت ذکر میکند .

در این رساله ابن سینا در مهم‌ترین مسائل فلسفی زمان خود که تجرد نفس از ماده و حدوث نفس مقارن با ظهور بدن و بقاء نفس بعد از مرگ و از همه مهم‌تر راجع

بمسئله مفصل تر و پیچیده تر از اینها یعنی کیفیت رابطه بدن و روح وارد بحث شده و چنین نتیجه گرفته است که مطابق عقاید مسلمین نفس انسانی بفساد بدن فاسد نمی شود بنا بر این بموضوعی دست زده است که امروز روان شناسان جدید با طرق علمی در آن بحث میکنند یعنی او نیز با ذره بین آزمایش حالات و افعال و کلیه حرکات دماغی را می بیند و قواعد و نظاماتی از آن استخراج میکنند که در زندگی تربیتی و اجتماعی و سیاسی از لحاظ حکمت تأثیر دارد .

در جواب معترضین ابوعلی سینا در قسمت هفتم از این رساله که موضوع آن :  
 « درست کردن ثبات نفس مردم بذات خویش و مستغنی شدن از بدن و آنچه بدین  
 تعلق دارد » است اینگونه اشکال میکند :

« اگر سالمی پرسد و اعتراض کند و گوید که چون نفس مردم در تحصیل علوم  
 و تصور معقولات بقوتهای جسمانی حاجت ندارد چرا چون مرض در تن پدید آید  
 آن علم ها فراموش شود یا چون بسن پیری رسد آن علم ها مختل شود .

جواب دهیم و گوئیم چون معلوم شد بیرهان روشن که نفس مردم جوهر عقلی  
 است و مجرد است از ماده پس آن حالها را علت باید طلبیدن و علت آن اینست که  
 نفس عاقله يك جوهر است و آنرا اتصال است ببدن و اتصال است بجانب ملکوت و  
 هر آنگاه که بکلیه يك جانب مشغول شود و از آن جانب دیگر و افعالی که بدان  
 جانب تعلق دارد بازماند و چون در بدن عارضه پدید آید جوهر نفس بر جانب بدن  
 اقبال کند و بدن مشغول شود از آن جانب دیگر و از افعالی که بدان جانب تعلق  
 دارد بازماند الا که آنرا دفع کند پس چون باشد که در علوم خلل پدید آید و لکن  
 همه فراموش نشود و اگر چنان بودی حاجت آمدی دیگر باره بتألیف مستأنف و این  
 تمناع در افعال يك جانب نیز هست مثلاً کسی که آنرا خوفی رسد سخت شهوت  
 طعام فراموش کند و اگر خشمی رسد همچنین از خوف و شهوت غافل شود چون در  
 افعال يك جهت این معنی باشد در افعال در جهت مخالف یکدیگر ممکن تر » .

با توجه بطرز بیان و نحوه استدلال بخوبی معلوم میشود که نظر حکیمانبات چیزی است که دیانت آنرا لازم شمرده است و در تأیید این نظر در قسمت سیزدهم که در بیان نبوت و احوال خواب میباشد در بیان رؤیای صادقانه اینطور تعبیر میکنند:

«نفس انسانی مستعد است قبول علم را از جواهر عقلی و از نفوس سماوی و از آن جانب هیچ حجاب نیست و لکن حجاب از جهت قابل است و هرگاه از جهت قابل حجاب برخیزد از آنجا فیض علم بدو پیوندد» .

و در ذیل همین قسمت در بیان نبوت میگوید :

« اما چون نفسی باشد شریف و قوه عقل و مفکره چنان قوی باشد که حواس آنرا مشغول بدارد از افعال خویش در حال بیداری فیض علم بدان نفس چنان پیوندد که در حال خواب بنفسی دیگر و این نفس نبی باشد» .

با آنکه باصراحت تمام از اصول دین دفاع میکند و فلسفه و حکمت را بخدمت دین می گمارد و چون لحن کلام حکیمانه است باز اندیشه میکند که مخالفین و معاندین بیانات او را دستاویزی قرار ندهند و در ختم این فصول چنین میگوید :

« صاحب این رساله چنین میگوید که من درین رساله و مقاله جز اسرار و نکات از علم نیاوردم و این اسرار و علم در کتب یا موجز باشد یا مرموز و من از حد مرموزی تصریح آوردم و حجاب برداشتم بتمامی تا برادرانی که بعد از این مطلع شوند برین معانی و اسرار این معانی و اسرار پوشیده و مهمل و ضایع نماید چه در زمانه خویش نیافتم کسانی که بتعلیم حاصل کنند استعداد ادراک این رموز و اسرار را و حرام کردم بر کسانی که بر اسرار این رساله و رموز این مقاله مطلع شوند و واقف گردند و بکسانی دهند که معاند و نا اهل و جاهل و شریر باشند» .

با توجه بقسمت اخیر بیان ابن سینا باید بگوئیم که در عرضی باین بیانات توجه میشود که ملت ایران یعنی هموطنان اهل و دانای این مرد بزرگ بر آنند که جشن

هزارساله تولد او را با تجلیل و احترامی که شایسته چنان حکیمی است برپا دارند و آرامگاهی بزرگ بر مزار او بسازند و روح پرفتوح او را شاد نمایند و این در عصری است که عربی زبان ها نیز بر آنند که بنام آثار عربی این فیلسوف تجلیل دیگری از او بنمایند.

درخانه باید باین نکته نیز توجه شود که بعضی میگویند متن این کتاب عربی بوده و بعداً بفارسی نقل شده ولی این گفته چندان قوتی ندارد .

\*\*\*

بعقیده ما رساله نفس ابوعلی سینا که گویا سه نسخه از آن یا سه تألیف مختلف از آن در این موضوع وجود داشته اصلاً بعربی بوده است زیرا که نسخه عربی آن در غالب کتابخانه های خارجه و در طهران نیز موجود است و آنچه آقای شجره نقل کرده اند ظاهراً از ترجمه فارسی یکی از رسالات شیخ در این باب است که یا بعدها بتوسط دیگری از عربی بفارسی ترجمه شده یا اینکه خود شیخ بعد از نوشتن اصل رساله بعربی آنرا بفارسی برگردانده است ، بهرحال این ترجمه فارسی قدیمی است و از جنس انشاء عصر ابن سینا یا کمی بعد از زمان اوست .

( یادگار )

